

مجله حقوقی، نشریه دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی
جمهوری اسلامی ایران
شماره بیست و نهم، پاییز ۱۳۸۲، صص ۲۱۲ - ۱۶۹

جنایت سازمان‌یافته فراملی در کنوانسیون پالمو و آثار آن

دکتر صادق سلیمی*

چکیده

جنایات سازمان‌یافته فراملی از مهمترین معضلات قرن بیست و یکم محسوب می‌شوند. این جنایات توسط گروه‌های جنایی که دارای سه عضو یا بیشتر، سلسله مراتب، وحدت فرماندهی، نظم شدید و اهداف مالی و مادی هستند ارتکاب می‌یابند. ارتکاب این جنایات آثار سیاسی، اقتصادی و اجتماعی زیانباری هم در سطح ملی و هم در سطح بین‌المللی به بار می‌آورند و حتی موجودیت دولتها و ملتها را تهدید می‌کنند. جامعه بین‌المللی و در رأس آن سازمان ملل متحد در اواخر قرن بیستم فکر تدوین یک سند بین‌المللی لازم‌الاجرا به منظور ایجاد هماهنگی و

*. عضو هیأت علمی واحد تهران مرکزی دانشگاه آزاد اسلامی.

همکاری برای مبارزه با این جنایات میان دولت‌ها را مطرح نمود. نهایتاً طرح کنوانسیون تهیه و در دسامبر ۲۰۰۰ در پالرمو (ایتالیا) برای امضای دولت‌ها مفتوح گردید و به امضای ۱۴۷ دولت از جمله ایران رسیده است. در این نوشتار سعی بر آن است، ابتدا مفهوم جنایت سازمان‌یافته فراملی بیان گردد؛ آنگاه آثار مختلف این جنایات که ضرورت مبارزه با آنها را نمایان می‌کنند، بررسی شوند.

مقدمه

جنایات سازمان‌یافته فراملی در نیمه دوم قرن بیستم در مقطعی که جامعه بین‌المللی درگیر اختلافات ابرقدرتها و جنگ سرد بود، همزمان با پیشرفت فن‌آوری و نتیجتاً گسترش مبادلات بازرگانی توسعه یافتند. جنایات سازمان‌یافته به آن دسته از اعمال مجرمانه‌ای اطلاق می‌شود که توسط گروه‌های جنایتکار با اعمال نفوذ در ارکان حکومت با توسل به ارتشاء یا خشونت و قتل، معمولاً با سازماندهی خاص و به قصد تحصیل منافع مالی یا مادی ارتکاب می‌یابند. این گروه‌های جنایتکار بعضاً دارای تشکیلات و بودجه بسیار عظیمی

هستند که حتی از بودجه سالانه خیلی از دولتها بیشتر است. به موجب اسناد بین‌المللی (مانند کنوانسیون پالرمو)، گروههای جنایی سازمان‌یافته حداقل باید دارای سه عضو باشند؛ لیکن عملاً تعداد آنها خیلی بیشتر از این رقم است. این گروهها معمولاً دارای سلسله مراتب، یک رئیس، تقسیم کار و نظم شدید همراه با ضمانت اجرای داخلی شدید علیه اعضاء متخلف خود هستند. برای انجام مأموریت و نیل به هدف خود به هر وسیله‌ای متوسل می‌شوند؛ ابتدا سعی می‌کنند از طریق افساد موانع را برطرف کنند و معمولاً در ارکان مختلف حکومتی و نهادهای عمومی نفوذ می‌کنند. در صورت عدم توفیق، توسل به خشونت و حذف فیزیکی مأمورین و قضات سرسخت امری متداول محسوب می‌شود. هدف غائی این گروهها تحصیل نفع مالی و مادی است که مهمترین وجه تمایز این نوع فعالیتها از فعالیتهای تروریستی است.

گروههای جنایتکار امروزه دامنه فعالیت خود را گسترش داده و برای تحصیل منافع هرچه بیشتر در سرزمین کشورهای مختلف فعالیت می‌کنند و از خلأهای موجود

جنایت سازمان‌یافته ... ❖ ۱۷۱

در سطح بین‌المللی بهره می‌برند. جامعه بین‌المللی متوجه این امر و ضرورت همکاری دولتها برای مبارزه با این جنایات شده است. در این زمینه «کنوانسیون ملل متحد علیه جنایت سازمان‌یافته فراملی» تهیه و تدوین گردید و در تاریخ ۱۵ نوامبر ۲۰۰۰ طی قطعنامه ۱۵۵/۲۵ در اجلاس پنجاه و پنجم به تصویب مجمع عمومی رسید و در دسامبر ۲۰۰۰ در پالرمو ۱۲۳ دولت از جمله ایران و تا اواسط مارس سال ۲۰۰۳ بیش از ۱۴۷ دولت اقدام به امضای آن نمودند و ۳۲ دولت نیز آن را تصویب کرده‌اند،^۲ لذا تا لازم الاجرا شدن کنوانسیون که طبق ماده ۳۸ کنوانسیون به چهل امضاء نیاز دارد، فاصله زیادی وجود ندارد.^۳

این جنایات حاکمیت دولتها را زیر سؤال برده و آثار زیانباری بر امنیت سیاسی، اقتصادی و همچنین فرهنگی - انسانی بر جای می‌گذارند. شناخت این

1. UN. DOC. A/RES/55/25 (2000).

2. www.undcp.org/crime-cicp-signatures.html.

۳. لایحه تصویب کنوانسیون توسط جمهوری اسلامی ایران در هیأت دولت تحت رسیدگی است (شماره ثبت دبیرخانه مرکزی ریاست جمهوری: ۵۰۴۸۵-۱۰/۱۰/۸۱).

آثار و نتایج می‌تواند هم در داخل کشور ضرورت و نحوه مبارزه با این جنایات را روشن کند و هم در تصمیم‌گیری مسؤولین جمهوری اسلامی ایران در خصوص تصویب یا عدم تصویب کنوانسیون فوق‌الذکر کمک کند. مصادیق این نوع جنایات متعدد هستند که فقط به ذکر نام مهمترین موارد بسنده می‌کنیم: تطهیر درآمدهای نامشروع، قاچاق مواد مخدر، سرقت آثار و اشیاء فرهنگی، هنری و تاریخی و قاچاق آن، سرقت مالکیت معنوی افراد، اعمال تجاری ممنوع سودآور داخلی و بین‌المللی، قمار و تأسیس قمارخانه‌های غیرقانونی، قاچاق غیر مجاز اسلحه، قاچاق مواد رادیواکتیو و هسته‌ای، تجارت انسان (کودکان و بزرگسالان) و نیروی کار، تجارت زنان و کودکان برای فحشا، قاچاق مهاجران، خرید و فروش اعضای بدن انسان، خرید و فروش حیوانات نایاب، داروها و مواد سمی نایاب، اخاذی از افراد و شرکتها و حتی در برخی موارد از دولتها، کلاهبرداری از افراد و شرکتها و کلاهبرداری از بیمه، سرقت در اشکال مختلف آن همانند سرقت وسایل نقلیه و خرید و فروش وسایل

جنایت سازمان‌یافته ... ❖ ۱۷۲

مسروقه، قتلهاي قراردادي و اعمال خشونت، هواپيماربايي، دزدي دريايي، جرايم عليه محيط زيست، رشوه دادن به مقامات قضايي، سياسي و مأمورين نظامي، انتظامي و کارکنان و مستخدمان دولتي از طرق مختلف، جعل و ضرب سکه تقلبي، چاپ اسکناس تقلبي و قاچاق ارز و ...

بديهي است اين سياهه جنبه حصري ندارد و نمي‌تواند جامع تلقي شود. در متن کنوانسيون پالرمو ضرورت جرم انگاري اين اعمال به نام مورد تصريح واقع شده اند: ۱- ارتكاب جنايت شديد (منظور عمل مجرمانه‌اي است كه به موجب حقوق داخلي مجازاتي بيش از چهار سال حبس داشته باشد و توسط گروه جنايي سازمان‌يافته ارتكاب يابد)؛ ۲- مشاركت در يك گروه جنايي سازمان‌يافته؛ ۳- تظهير منافع حاصل از ارتكاب جنايت (پولشويي)؛ ۴- فساد مالي (ارتشاء)؛ ۵- ممانعت (ايجاد مانع) در روند و اجراي عدالت.

۴. عليرضا شمسي اژيه، جرم سازمان‌يافته و بررسي مصاديق آن در حقوق موضوعه ايران، پايان نامه كارشناسي ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسي، دانشكده حقوق دانشگاه شهيد بهشتي، ۱۳۷۹-۱۳۷۸، صص ۳۳-۳۲.

به علاوه، سه پروتکل الحاقی نیز که تصویب آنها برای متعهدین کنوانسیون اختیاری است، هر کدام یک عنوان کیفی/ مجرمانه را تعریف و شرایط و تدابیر مبارزه با آن را بیان کرده‌اند. این سه پروتکل عبارتند از ۱- پروتکل پیشگیری، سرکوب و مجازات قاچاق اشخاص بویژه زنان و کودکان؛ ۲- پروتکل علیه قاچاق مهاجران از طریق زمینی، دریایی و هوایی؛ و ۳- پروتکل علیه تولید و قاچاق غیرقانونی سلاحهای گرم، قطعات و اجزاء آنها و مهمات.^۵

به هر حال عدم ذکر سایر مصادیق در این اسناد به منزله جرم نبودن و حتی کم اهمیت بودن آنها نیست، بلکه در مورد برخی (مثل قاچاق مواد مخدر) قبلاً اسنادی تنظیم شده و در خصوص برخی موارد نیز حصول اتفاق نظر بین دولتها مشکل است. برای روشن نمودن مفهوم جنایت سازمان‌یافته و آثار ناشی از آن، مطالب این نوشتار را در دو گفتار ادامه می‌دهیم.

۵. درخصوص تفصیل این مصادیق، رک. صادق سلیمی، جنایات سازمان‌یافته فراملی، انتشارات تهران صدا، بهار ۱۳۸۲، صص ۱۰۲ - ۶۹.

گفتار نخست

مفهوم جنایت سازمان‌یافته فراملی

در ابتدا تعاریف مختلفی که توسط حقوقدانان در این خصوص ارائه گردیده، نقل و بررسی می‌شوند، آنگاه به تشریح تعریف مندرج در کنوانسیون پرداخته خواهد شد. شایان ذکر است که اغلب این تعاریف ناظر به «جنایت سازمان‌یافته» بدون توجه به وصف «فراملی» می‌باشند.

۱- «جرم سازمان‌یافته جرمی است که شاخص تدارک و ارتکاب آن، تشکیلاتی روشمند است که اغلب برای مباشران آن امکانات معاش فراهم می‌کند».^۶ این تعریف از جهات مختلف ناقص به نظر می‌رسد. انگیزه تحصیل منفعت به طور نامحدود، در این تعریف نادیده گرفته شده است و این‌گونه به ذهن تداعی می‌شود که مرتکبان صرفاً برای تأمین معاش خود مبادرت به ارتکاب جرم می‌کنند. همچنین، منافع

۶. ر.ک. ژاک بوریگان، بزهکاری سازمان‌یافته در حقوق کیفری فرانسه، ترجمه دکتر علی‌حسین نجفی ابرندآبادی، مجله تحقیقات حقوقی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۲۱-۲۲، زمستان ۱۳۷۶ تا تابستان ۱۳۷۷، ص ۳۱۶.

حاصله فقط عاید مباشران (یعنی انجام دهندگان رکن مادی جرم) نمی‌شود، بلکه بیشتر منافع عاید هدایت‌کنندگان و به اصطلاح «یقه سفید»ها می‌شود که غالباً مرتکبان حتی شناخت کافی از آنها ندارند.

۲- «جنایت سازمان‌یافته پدیده‌ای است غیرایدئولوژیک مرکب از تعدادی افراد با روابط متقابل که بر مبنای سلسله مراتب شکل گرفته است و حداقل سه رده متمایز در آن وجود دارند که هدف آن جلب منفعت و قدرت با اشتغال به فعالیت‌های مشروع و نامشروع می‌باشد. مسئولیت‌های کلیدی ممکن است بر حسب روابط خویشاوندی یا دوستی و یا صرفاً بر اساس مهارت تقسیم شود. مسئولیت‌ها در هیچ برهه زمانی خاصی قائم به دارندگان آنها نیست. اعضاء آن را دائمی می‌دانند و سعی بر حفظ یکپارچگی و فعال بودن آن در جهت نیل به اهدافش دارند. تمایل به استفاده از خشونت و/یا رشوه برای رسیدن به اهداف یا حفظ انسجام زیاد است. عضوگیری محدود است؛ هرچند از افراد غیرعضو ممکن است به طور موردی استفاده شود. آنان قواعد صریح

جنایت سازمان‌یافته ... ❖ ۱۷۷

مکتوب یا شفاهی دارند که با ضمانت
اجراهای شدیدی، از جمله مرگ، اعمال
می‌شوند».^۷ در این تعریف که نسبتاً جامع
است، بیشتر به توصیف «گروه جنایتکار
سازمان‌یافته» و نحوه اداره آن پرداخته
شده است تا به توصیف «جنایت
سازمان‌یافته».

۳- «جنایت سازمان‌یافته زمانی رخ
می‌دهد که گروه‌هایی که عمدتاً بر روی
تحصیل منافع غیرقانونی متمرکز شده‌اند
به طور سازماندهی شده مرتکب جنایاتی
می‌شوند که این جنایات، بویژه با توسل
به خشونت فیزیکی یا برداشتن موانع با
افساد مأمورین، متقابلاً بر جامعه اثر
می‌گذارند و برای فعالیتهای جنایتکاران
چتر امنیتی ایجاد می‌کنند».^۸ برخلاف
تعریف قبلی، در اینجا به دخالت گروه‌های
جنایی اشاره شده، لیکن به ساختار داخلی
آنها توجهی نشده است.

۴- «جنایت سازمان‌یافته به هر
مجموعه ساختاری هماهنگ و سازمان‌یافته‌ای
از اشخاص اطلاق می‌شود که معمولاً به اهداف

7. Howard Abadinsky, *Organized Crime*, 4th ed., 1994, Chicago, p. 6.

8. Cyrille Fijnaut/ Frank Bovenkerk/ Gerben Bruinsma/ Henk Van de Bunt, *Organized Crime in Netherlands*, The Hague: Kluwer Law International, 1998, pp. 26-27.

فرعی و وسایل غیرقانونی برای جمع آوری سرمایه اتکاء می‌کند».^۹ اختصار و ایجاز این تعریف موجب شده است که حتی به وجود و دخالت یک گروه جنایی در ارتکاب جنایت سازمان‌یافته نیز اشاره‌ای نشود.

۵- «جنایت سازمان‌یافته ارتکاب برنامه ریزی شده جنایاتی قابل توجه برای تحصیل منفعت یا قدرت است؛ در صورتی که بیش از دو شریک در مدت زمانی طولانی یا نامحدود نقشی از طریق تجارت یا ساختارهای شبه تجاری یا استفاده از خشونت یا دیگر وسایل تهدید یا از طریق نفوذ در سیاست یا رسانه‌ها یا اداره امور عمومی، سیستم قضایی یا اقتصاد ایفاء نموده و با یکدیگر همکاری کنند».^{۱۰} ارتکاب جرم برای تحصیل قدرت از شمول جنایت سازمان‌یافته خارج است و اصولاً در چارچوب تروریسم بحث و بررسی می‌شود، لیکن در این تعریف، این دو از هم متمایز نگردیده‌اند.

9. Raymond J. Michalowski, *Order, Law, and Crime, An Introduction to Criminology*, New York, 1985, p. 368.

10. Klaus Von Lampe, *Recent German Publications on Organized Crime, Criminal Organizations*, Vol. 12, No. 1+2, 1998, p. 38.

۶ — «تعاریف حقوقی و بین‌المللی
«جنایت سازمان‌یافته» همگی به یک نکته
گرایش دارند؛ به طوری که این عنوان یک
شیوه مدیریت عملیات جنایی را بیان
می‌کند و به چگونگی و نحوه ارتکاب جرم
اشاره دارد. ویژگی‌های بارز آن عبارتند
از خشونت، فساد مالی، فعالیت جنایی
مداوم و برتری گروه بر تک تک اعضاء.
گروه‌های سازمان‌یافته با شاخص تداوم
آنها بدون توجه به مرگ و میر اعضایشان
شناخته می‌شوند. بقای آنها وابسته به
مشارکت دائمی هیچ یک از اعضاء
نمی‌باشد».^{۱۱} در این تعریف بیشتر به
ویژگی‌های جنایت سازمان‌یافته تأکید شده
است.

۷ — «جنایت سازمان‌یافته فعالیت
غیرقانونی با انگیزه اقتصادی است که
توسط گروه، انجمن یا ارگانی مرکب از دو
یا چند شخص که خواه به طور رسمی یا
غیررسمی سازمان‌یافته باشند، ارتکاب
یابد؛ جایی که اثر منفی فعالیت مذکور
از بعد اقتصادی، اجتماعی، ایجاد خشونت،

11. Sabrina Adamoli/ Andrea Di Nicola/ Ernesto U. Savona/ Paola Zoffi, *Organized Crime Around the World*, Helsinki, 1998, p. 9.

بهداشتی و سلامت عمومی و/ یا زیست محیطی
حائز اهمیت تلقی شود».^{۱۲} در این تعریف
صرفاً به انگیزه اقتصادی و مالی توجه
شده است، در حالی که در سایر انگیزه های
مادی از قبیل لذت جنسی نیز می تواند،
مبنای گرایش به این جنایت باشد.

۸ - « در مقابل بزهکاری مزمن یا به
عادت که مرتکبان آن معمولاً ضریب هوشی
پایینی دارند و به هنگام ارتکاب جرم از
قدرت انتزاعی و توانایی محاسبه
برخوردار نیستند، بزهکاری سازمان یافته
را قرار می دهند. این جرایم (بزهکاری)
دارای ویژگی های خاصی نسبت به سایر
بزه ها می باشند، زیرا در این نوع جرایم،
عده ای از افراد که به نوعی با هم مرتبط
هستند، سعی در نقض قانون دارند و
کارهای یکدیگر را بدون تأثیرگذاری،
سازمان می دهند و از بی سازمانی به
انسجام و سازمان یافتگی می رسند و با این
تشکل و سازمان یافتگی، توانایی مقابله
با پلیس، فشارهای خارجی دیگر مانند
عوامل افشاء کننده و نیز مقابله با

12. Canada: Solicitor General, *Organized Crime Impact Study*, Highlights, 1998, p. 5.

فشارهاي دروني را دارا مي‌باشند».^{۱۳} در اين تعريف به مقايسه بين جنايت سازمان‌يافته و جرايم عادي پرداخته شده و برخي ويژگي‌هاي جرم سازمان‌يافته تبیین شده است.

تقريباً در تمام تعاريف به مشارکت بيش از دو نفر و انگيزه و محرك آنها (تحصيل منفعت) و وجود گروه يا يك تشکل اشاره شده است. در برخي از تعاريف به تحصيل قدرت نيز اشاره شده است. در حالي‌که امروزه با متمايز گردیدن جنايت سازمان‌يافته از تروريسم، در جنايت سازمان‌يافته انگيزه اصلي همانا منفعت مالي و مادي مي‌باشد در حالي‌که در تروريسم انگيزه سياسي است. حال بايد ديد کنوانسيون پالرمو چه تعريفی در اين زمينه ارائه داده است.

کنوانسيون پالرمو به تعريف «جنايت سازمان‌يافته فراملي» نپرداخته است؛ ليکن ماده ۵ کنوانسيون به تعريفی تحت عنوان «جرم انگاري مشارکت در يك گروه

۱۳. دکتر علي‌حسين نجفی ابرند آبادي، تقريرات درس جرم‌شناسي دوره کارشناسي ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسي، دانشکده حقوق دانشگاه شهيد بهشتي، در مباحثي در علوم جنائي، تهران، دي ۱۳۸۱، ص ۶۳۱.

جنایای سازمان‌یافته» اختصاص یافته که علت این امر را باید در ارتباط تام «جنایت سازمان‌یافته فراملی» و «گروه جنایی سازمان‌یافته» جستجو کرد که این دو لازم و ملزوم هم می‌باشند. ماده ۵ مقرر می‌دارد:

۱- هر دولت متعاهدی، اقدامات قانونگذاری و سایر اقداماتی را که ضروری باشند اتخاذ خواهد نمود تا اعمال زیر را، در صورتی که بطور عمدی ارتکاب یابند، جرم جنایی تلقی کند:

الف) هریک از جرایم جنایی زیر یا هر دو جرم صرفنظر از این‌که شروع به جرم باشد یا جرم تام تلقی شود

(i) توافق با یک یا چند شخص دیگر برای ارتکاب یک جنایت شدید در صورتی که به طور مستقیم یا غیر مستقیم به منظور تحصیل یک نفع مالی یا نفع مادی دیگری باشد و در صورتی که حقوق داخلی چنین اقتضا کند متضمن عملی باشد که یکی از شرکاء در انجام توافق به عهده گرفته باشد یا توسط یک گروه جنایی سازمان‌یافته ارتکاب یابد.

جنایت سازمان‌یافته ... ❖ ۱۸۳

(ii) رفتار کسی که با علم بر هدف و فعالیت جنایتکارانه عمومی یک گروه جنایی سازمان‌یافته یا با علم بر قصد ارتکاب جنایات مورد بحث در فعالیت‌های زیر شرکت فعال کند :

a. فعالیت‌های جنایتکارانه گروه جنایی سازمان‌یافته

b. فعالیت‌های دیگر گروه جنایی سازمان‌یافته با علم بر اینکه مشارکت وی در نیل به هدف جنایتکارانه موصوف مؤثر است

ب) سازماندهی، هدایت، کمک، مساعدت، تسهیل یا مشاوره برای ارتکاب جنایت شدیدی که توسط یک گروه جنایی سازمان‌یافته ارتکاب یابد.

۲- علم، قصد، هدف، مقصود یا توافق مورد اشاره در بند ۱ این ماده را می‌توان از اوضاع و احوال موضوعی عینی استنباط کرد.

۳- دولتهای متعاهدی که حقوق داخلی آنها برای تحقق جرایم مندرج در بند ۱ (a) (I) این ماده، وجود یک گروه جنایی سازمان‌یافته را لازم می‌دانند ترتیبی خواهند داد که حقوق داخلی آنها تمام

جنایات ارتكابي گروههاي جنایي سازمان‌یافته را شامل شود. چنین دولتهایی، همچنین دولتهای متعاهدي که حقوق داخلی آنها وجود عملی را برای تحقق توافق انجام شده در جهت ارتكاب جرایم مندرج در بند مذکور لازم می‌دانند، چنین امری را موقع امضاء یا تودیع سند تصویب، پذیرش، تصدیق یا الحاق به این کنوانسیون به دبیر کل سازمان ملل متحد اطلاع خواهند داد.

اولین مطلبی که با مطالعه عنوان ماده و صدر آن جلب توجه می‌کند این است که این ماده - همچون سایر مواد این کنوانسیون و پروتکل‌های الحاقی - رأساً عنوان مجرمانه‌ای ایجاد نمی‌کند، بلکه دولتهای متعهد را ملزم به تصویب قوانین و «سایر اقدامات» مقتضی می‌کند. با مطالعه کارهای مقدماتی این معاهده و مذاکرات مربوطه متوجه می‌شویم که منظور از «سایر اقدامات» مندرج در مواد ۵، ۶، ۸ و ۲۳ این کنوانسیون اقداماتی علاوه بر

اقدامات قانونگذاري و در جهت تکميل آن
مي‌باشند.^{۱۴}

جنایت سازمان‌یافته فراملي به خاطر
ماهیت خود توسط «شرکاي» جرم ارتکاب
مي‌یابد نه توسط مباشر. اگر رکن مادي
جرم را يك نفر مستقلاً و به تنهایی انجام
دهد مباشر جرم نامیده مي‌شود و اگر دو
یا چند نفر مشترکاً و با همکاری یکدیگر
رکن مادي جرم را انجام دهند شرکاي جرم
نامیده مي‌شوند که این معنی را در حقوق
داخلی ایران با مطالعه ماده ۴۲ قانون
مجازات اسلامی مي‌توان فهمید. در جنایات
سازمان‌یافته، مدیریت یا طراحی نقش خیلی
مهمی دارد؛ یعنی عملی که در جرایم عادي
فقط «معاونت» محسوب مي‌شود و جنبه فرعی
و تبعی دارد، در این جنایات مهمتر از
ارتکاب رکن مادي تلقی مي‌گردد.

با توجه به تعریف و مصادیق ارائه
شده در این ماده به نظر مي‌رسد که رکن
مادي جنایت سازمان‌یافته همیشه به صورت

14. Report of the Ad Hoc Committee on the Elaboration of a Convention against Transnational Organized Crime on the work of its first to eleventh sessions, *Addendum*; Interpretative notes for the official records (*travaux préparatoires*) of the negotiation of the United Nations Convention against Transnational Organized Crime and the Protocols thereto, UN.Doc.A/55/383/Add.1, p. 3.

فعل (عمل مثبت) می‌باشد و با ترك فعل (عمل منفي) محقق نمی‌گردد. به عبارت دیگر، کسی به اتهام مشارکت در ارتکاب این جنایت، مسؤولیت کیفری دارد که عملی انجام داده باشد. طبق این ماده، صرف عدم انجام کاری (مثلاً عدم اعلام به مقامات و...) جرم محسوب نمی‌شود.

همانطور که از اسم این جنایت به ذهن متبادر می‌شود، جنایت فراملی «سازمان‌یافته» باید دارای سازماندهی خاصی باشد و اعضای تشکیل‌دهنده آن در بین خود دارای سلسله مراتب باشند لذا اساساً ارتکاب این جرم توسط شخص واحد متصور نیست. بنابراین، در داخل گروه، هریک از اعضاء دارای وظایف و اختیارات مشخص و از پیش تعیین‌شده‌ای است و اغلب حقوق‌دانان بر این نکته تأکید نموده‌اند.^{۱۵} با این حال در کنوانسیون وجود «سلسله مراتب» جزء تعریف گروه مجرمانه نیامده و برای تحقق جنایات مندرج در این کنوانسیون وجود سلسله مراتب ضروری شناخته نشده است؛ با

15. Viktor Vasilievich Luneev, *Crime in the xxth Century, International Criminological Analysis*, chapter 9, <http://www.american.edu/traccc/pdfs/HTMLs/luneevchapter9.html>.

مراجعه به گزارش کارهای مقدماتی تدوین کنوانسیون ملاحظه می‌گردد که «گروه واجد ساختار» نیازی به سلسله مراتب ندارد، بلکه این واژه هم شامل گروه‌های دارای سلسله مراتب و هم گروه‌هایی که سلسله مراتب ندارند و نقش هر یک از اعضای گروه رسماً تعریف نشده است، می‌گردد.^{۱۶} بدیهی است هرچه قیود بیشتری در تعریف عنوان مجرمانه آورده شود، زمینه فرار مجرمین از چنگال عدالت بیشتر می‌شود. لذا سیاست کلی در تدوین کنوانسیون این بوده که اثبات ارتکاب جنایت را تا حد اکثر ممکن تسهیل کند.

در عنوان ماده و متن آن که به «گروه جنایی سازمان‌یافته» اشاره شده است باید دید که مقصود از این اصطلاح چیست؟ در ماده ۲ کنوانسیون که به تعریف واژگان مورد استفاده در این کنوانسیون اختصاص یافته، در بند الف آمده است:

«گروه جنایی سازمان‌یافته» به معنی یک گروه دارای ساختار تشکیلاتی مرکب از سه نفر یا بیشتر است که برای مدت زمانی موجودیت می‌یابد و هماهنگ با هدف ارتکاب

16. UN.Doc.A/55/383/Add.1, p. 2.

يك يا چند جنايت شديد يا جرايم مندرج در اين كنوانسيون به منظور تحصيل مستقيم يا غيرمستقيم يك نفع مالي يا نفع مادي ديگر فعاليت مي‌كند.

از تلفيق اين تعريف با ماده ه مي‌توان استنباط نمود كه از نظر اين كنوانسيون اولاً، اگر فقط دو نفر با همفكري و همكاري هم به ارتكاب جرايم موضوع اين كنوانسيون مبادرت ورزند، مشمول تعريف اين كنوانسيون نمي‌شوند؛ چون حداقل تعداد بايد سه نفر باشد. بايد توجه داشت كه در يك گروه يا سازمان كه به منظور رسيدن به هدف يا اهدافي تشكيل گرديده است، اصولاً هريك از اعضا وظيفي به عهده دارند. ماهيت جرايم ارتكابي نيز غالباً به گونه‌اي است كه يك نفر به تنهائي نمي‌تواند ركن مادي آن را انجام دهد. همچنين، مديري كه سازماندهي گروه را بر عهده دارد - هرچند خود مستقيماً در عمليات اجرايي شركت نكند - يا كسي كه سرمايه‌گذاري نموده و مقدمات فعاليت چنين گروه‌ي را فراهم نموده است؛ به هيچ‌وجه نقشي كمتر از كسي كه مستقيماً عمليات اجرايي جرم

جنايت سازمان‌يافته ... ❖ ۱۸۹

را انجام می‌دهد، ندارد. از این رو برخلاف جرایم معمولی که اصولاً مسؤلیت معاون کمتر از مباشر یا شریک است در این مورد مسؤلیت همه آنها یکسان است. ثانیاً، اگر تعدادی گرد هم آمده و با تبانی قبلی مرتکب جرمی شوند و سپس متفرق گردند، عمل نامبردگان مشمول کنوانسیون نمی‌گردد، هرچند این جرم «سازمان‌یافته» و «فراملی» باشد و به منظور کسب منافع مادی صورت گرفته باشد، چرا که گروه باید برای «مدت زمانی» موجودیت داشته باشد. این شرط، ویژگی استمرار و تداوم ارتکاب جنایت سازمان‌یافته فراملی را نشان می‌دهد. به عبارت دیگر، اگر گروهی برای ارتکاب جرمی واحد گرد هم آیند، گروه جنایی سازمان‌یافته محسوب نمی‌گردند.

ثالثاً، اگر گروهی که دارای تمام اوصاف «سازمان‌یافته، فراملی، سه نفر یا بیشتر، با هدف ارتکاب جرم و برای مدتی نامحدود» تشکیل شود و مبادرت به ارتکاب جرم نماید، ولی «انگیزه» ارتکاب جرم، تحصیل منافع مادی و مالی نباشد در این صورت نیز چنین جرمی مشمول تعریف مندرج

در این کنوانسیون نمی‌گردد. حال باید دید که منظور از «نفع مادی دیگر» چیست. مقصود تدوین کنندگان کنوانسیون از آوردن «نفع مادی دیگر» بعد از نفع مالی، تأکید بر گسترش این مفهوم بوده به طوری که شامل منافع مثل لذت جنسی و نظایر آن هم بشود.^{۱۷}

در تحقق جنایت سازمان‌یافته وجود «انگیزه» یا داعی حائز اهمیت اساسی است. منظور از انگیزه هدف و مقصود نهایی هر مرتکب، جرمی است که با ارتکاب عمل مجرمانه درصدد تحصیل آن است. می‌دانیم که در حقوق کیفری داخلی اصولاً انگیزه یا داعی در «تحقق» جرم دخیل نیست؛ مگر این‌که قانونگذار تصریح به این امر کرده باشد. برای مثال در جرایم علیه امنیت ملی قانونگذار انگیزه «براندازی یا برهم زدن امنیت کشور» را شرط تحقق جرم یا در مواردی عامل مشدده کیفر تلقی می‌کند.^{۱۸} این موارد استثنایی

17. UN.Doc.A/55/383/Add.1, p. 2.

۱۸. برای نمونه ماده ۵۰۵ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «هرکس با هدف برهم زدن امنیت کشور به هر وسیله اطلاعات طبقه بندی شده را با پوشش مسئولین نظام یا مأمورین دولت یا به نحو دیگر جمع‌آوری کند ... به حبس ... محکوم می‌شود».

بر اصل و قاعده كلي تلقي مي‌گردد كه انگیزه در تحقق جرم مؤثر نیست. همچنین انگیزه مي‌تواند در تخفیف مجازات مؤثر باشد (ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامي) كه این امر نیز ارتباطي با «تحقق» جرم ندارد. ولي در تحقق «جنایت سازمان‌یافته فراملي» بنا بر تعریف کنوانسیون «انگیزه تحصیل منافع مادي» شرط تحقق است و با فقدان آن ممکن است جنایت بین‌المللي دیگری به وقوع بپیوندد یا اساساً عمل ارتكابي فاقد وصف مجرمانه بین‌المللي باشد.

مطابق اصول حقوق کیفری و بویژه اصل برائت (مدرج در اصل ۳۷ قانون اساسي جمهوری اسلامي ایران، بند ۲ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللي حقوق مدني و سياسي (۱۹۶۶)، بند ۳ ماده ۲۱ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللي برای جنایات ارتكابي در یوگسلاوي سابق، بند ۳ ماده ۲۰ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللي برای رواندا، بند ۱ ماده ۱۱ پیشنهادی نویس قانون (کُد) جرایم علیه صلح و امنیت بشري،^{۱۹} و

۱۹. در خصوص پیشنهادی نویس ۱۹۹۴ اینکد قبل از اصلاحات نهایی در ۱۹۹۶ ر.ک. دکتر علي‌حسین نجفی ابرندآبادي - دکتر منوچهر خزانی، درآمدی بر پیشنهادی نویس قانون بین‌الملل جزا،

اصل قانونی بودن جرایم و مجازاتها
مندرج در اصل ۳۶ قانون اساسی، ماده ۱۱
اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸)، ماده ۱۵
میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی،
ماده ۱۳ پیشنویس قانون (کُد) جرایم علیه
صلح و امنیت بشری و مواد ۲۲ و ۲۳
اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی (...)
مقام تعقیب‌کننده وظیفه دارد که نزد
دادگاه بیطرف، ارکان جرم را به اثبات
رسانده و دلایل کافی علیه متهم در خصوص
عنصر معنوی جرم ارائه نماید. لیکن در
بند ۲ ماده ۵ کنوانسیون برای سهولت
اثبات رکن معنوی اماره‌ای پیش‌بینی شده
است که علم، قصد و انگیزه را می‌توان با
اشتغال شخص به برخی فعالیت‌های
جنایتکارانه احراز نمود. به عبارت
دیگر، با چنین رفتارهایی وجود عنصر
معنوی مفروض تلقی می‌گردد و لذا می‌توان
گفت اماره سوء نیت پذیرفته شده است.

در ماده ۳ کنوانسیون تحت عنوان
«قلمرو اجرایی» در قسمت ب بند ۱ صریحاً
بیان شده است که جرم ماهیتاً باید

مجله حقوقی دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی
ایران، شماره هجدهم و نوزدهم، سال ۱۳۷۴-۱۳۷۳، صص ۲۸۰-
۲۳۹،

جنایت سازمان‌یافته ... ❖ ۱۹۳

«فراملي» باشد. لذا يکي از اوصاف مهمي که مي‌توان براي جنايات مشمول اين کنوانسيون برشمرد، همانا فراملي بودن آن است. اما اينکه در چه صورتي جنايت ارتکابي فراملي محسوب مي‌شود در بند ۲ همين ماده بيان شده است که به خاطر اهميت آن عیناً بيان مي‌شود.

۲... - از نظر بند ۱ اين ماده يك جرم در صورتي ماهيتاً فراملي تلقي مي‌گردد که:

الف) در قلمرو بيش از يك دولت ارتكاب يابد؛

ب) در يك دولت ارتكاب يابد ولي بخش مهمي از مقدمات، طرح‌ريزي، هدايت يا کنترل آن در دولت ديگري صورت پذيرد؛

ج) جرم در سرزمين يك دولت، ولي توسط يك گروه جنائي سازمان‌يافته ارتكاب يابد که در سرزمين بيش از يك دولت به فعاليت اشتغال دارد؛ يا

د) جرم در يك دولت ارتكاب يابد ولي آثار اساسي آن در سرزمين دولت ديگري بروز کند.

در اين ماده، ۴ مورد به عنوان ملاک «فراملي» بودن جنايت تلقي شده‌اند. اگر

به رکن مادی جرم توجه شود فقط مورد اول بطور واقعی و عینی در بیش از یک کشور واقع شده است. در حقوق کیفری بین‌المللی و در قوانین کیفری ملی بیشتر کشورها در مقررات مربوط به اعمال صلاحیت مورد چهارم نیز پذیرفته شده است؛ یعنی اگر صرفاً اثر جرمی در کشور دیگری بروز کند، کشور مربوطه می‌تواند جرم مزبور را ارتکاب یافته در سرزمین خود تلقی نموده و نسبت به تعقیب مرتکبان - ولو اینکه اصل جرم در خارج از کشور رخ داده باشد - اقدام نماید. این مفهوم را در حقوق کیفری ایران در ماده ۴ قانون مجازات اسلامی می‌توان یافت که مقرر می‌دارد: «هرگاه قسمتی از جرم در ایران واقع و نتیجه آن در خارج از قلمرو حاکمیت ایران حاصل شود و یا قسمتی از جرم در ایران و یا در خارج و نتیجه آن در ایران حاصل شود در حکم جرم واقع شده در ایران است». تأثیرگذاری یک عمل در سرزمین بیش از یک دولت ملاک واحدی است که هم می‌تواند مبنای اعمال صلاحیت توسط دولتهای مختلف گردد و هم جرمی را فراموشی کند.

جنایت سازمان‌یافته ... ❖ ۱۹۵

بند ب مذکور در يك نگاه دو دسته افعال را شامل مي‌شود: اول تهيه و تدارك مقدمات ارتكاب جرم است كه در حقوق داخلي اصولاً فاقد وصف جزايي است. دسته دوم كه در واقع ركن معنوي جرم را شامل مي‌شود و مداخله‌اي در عمليات اجرايي جرم صورت نمي‌پذيرد، ماهيتاً معاونت در جرم محسوب مي‌گردد. ولي بندهاي ب و ج را بايد با توجه به سازمان‌يافته بودن اين گروهها ارزيابي كرد. اشخاص به اعتبار عضويت در اين گروهها داراي حقوق و تكاليف خاصي مي‌گردند و به عنوان عضو يك گروه عمل مي‌كنند و پرواضح است كه اگر ارزيابي «فراملي بودن» و «تحقق جرم» مبتني بر عملكرد تك تك اعضاي گروه، صرف نظر از گروه باشد، هرگز نبايد صحبت از جنايت «فراملي و سازمان‌يافته» كرد. زيرا اگر هم فعاليت شخصي منفرد بتواند جنبه فراملي پيدا كند هرگز نمي‌تواند سازمان‌يافته به معني اصطلاحي باشد.

از مطالعه ماده ۵ كنوانسيون و تلفيق آن با مواد ۲ و ۳ بطور خلاصه مي‌توان اوصاف زير را برشمرد:

- ۱- ارتکاب جنایت توسط گروهی که متشکل از سه نفر یا بیشتر باشد؛
- ۲- جنایت ارتكابي ماهیتاً فراملي باشد؛
- ۳- فعالیت گروه برای مدتی استمرار داشته باشد؛ و
- ۴- انگیزه و هدف نهایی تحصیل منافع مالی و مادی باشد.

در مواد کنوانسیون به وجود سلسله مراتب و تقسیم کار و مقررات شدید داخلی گروه جنایی اشاره نشده است؛ ولی غالباً گروه زمانی می‌تواند استمرار داشته و هدف خاصی را دنبال نماید و به طور منسجم عمل نماید که مقام تصمیم‌گیر و مجری و اختیارات هر یک از آنان مشخص باشد. لیکن فقدان این امور - که اساساً مسائل داخلی گروه می‌باشند - هیچ تأثیری در تحقق فعل جنایتکارانه ندارند و هرچند در مفهوم «گروه» مستتر می‌باشند ولی به درستی مورد تصریح واقع نشده‌اند تا جنایتکاران حرفه‌ای نتوانند آن را دستاویزی برای سوء استفاده و فرار از مسؤولیت قرار دهند. در خصوص سایر اوصافی که حقوقدانان احصاء می‌کنند نیز

وضعیت مشابیهی وجود دارد، یعنی در کنوانسیون وارد نشده‌اند. همچنین توسل به شیوه‌های خاصی مثل خشونت، افساد و رشوه هیچ اشاره‌ای نگردیده است. بطورکلی کنوانسیون به امور داخلی گروه همچون وفاداری، رازداری، نحوه عضوگیری و... نمی‌پردازد و اساساً اشاره به چنین مواردی اثر مثبتی نمی‌تواند داشته باشد. لیکن شرط «ماهیتاً فراملی بودن» که در نوشته‌های اغلب حقوقدانان به چشم نمی‌خورد، در کنوانسیون به عنوان شرط تحقق این جنایت بطور صریح بیان شده است. علت این امر آن است که اگر جنایتی صرفاً در چارچوب سرزمین یک دولت طراحی، سازماندهی و ارتکاب یافته باشد و آثار آن نیز صرفاً متوجه همان دولت باشد، حاکمیت دولت مربوطه اقتضاء می‌کند که آن دولت در قالب تدابیر ملی به نحوی که مصلحت می‌بیند عمل کند و چنین جنایاتی از شمول این کنوانسیون خارج می‌باشند. بدیهی است که چون اکثر نویسندگان به جنایت سازمان‌یافته به طور اطلاق توجه دارند و «فراملی» بودن امری فرعی و

ثانوي تلقي مي‌گردد، لذا نيازي به آوردن
اين قيد احساس نمي‌کنند.

گفتار دوم

آثار جنایت سازمان‌یافته فراملی

هر جرمي آثار زيانباري را بر جامعه
تحميل مي‌کند و دقیقاً به خاطر همین آثار
است که عملي عنوان مجرمانه به خود
مي‌گیرد. به عبارت دیگر، مبنای
جرم‌انگاري و فلسفه وجودي هر جرمي همانا
آثار و پیامدهاي زيانباري است که از
ارتكاب آن عمل ناشي مي‌شود. به منظور
درک فلسفه جرم‌انگاري جنایات
سازمان‌یافته فراملی، باید آثار آن
شناخته شود، زیرا همین آثار موجب
پيدایش فکر مبارزه بين‌المللي با اين
پدیده و نهایتاً ایجاد عزم بين‌المللي
براي تدوين يك کنوانسيون بين‌المللي
گردیده است.

جنایت سازمان‌یافته فراملی آثار
متعددي در ابعاد مختلف از خود بر جای
مي‌گذارد. از طرفي ساختار سياسي حکومت و
به طور كلي حاکمیت، دموکراسي و حتي نظم
جهاني را مختل مي‌کند که اين امر جامعه

جنایت سازمان‌یافته ... ❖ ۱۹۹

مدني و نهادهاي آن را تحليل مي‌برد. تزلزل نهادهاي مدني به نوبه خود موجب بي‌ثباتي و ضعف حكومت و جامعه در برخورد با جرم و جنايت به طور كلي مي‌گردد. از سوي ديگر، جنايت سازمان‌يافته بر سيستمهاي اقتصادي - اعم از ملي و بين‌المللي - تأثير مي‌گذارد. سازمانهاي جنايتكارانه فراملي همچنين با تهديد و كشتن روزنامه‌نگارها و اهل مطبوعات و قاچاق غيرقانوني اشخاص و سوء استفاده از آنها؛ ضمن قرباني گرفتن از افراد جامعه، آزادي بيان و حقوق بشر را نقض مي‌كنند. نفوذ اين گروهها به درون سنديكاها و اتحادييه‌هاي كارگري حقوق شهروندي كارگران را نقض مي‌كند. همچنين قاچاق غيرقانوني زنان و کودکان و سوء استفاده‌هاي جنسي از آنان، علاوه بر نقض حقوق بشر، آثار انساني و فرهنگي قابل توجهي از خود بر جاي مي‌گذارد.

با توجه به اين‌كه جنايت سازمان‌يافته فراملي مصاديق مختلف و متعددي دارد و اين امر خود موجب مي‌گردد آثار اين جنايت ابعاد مختلف و گسترده‌اي بيايند، آثار جنايت سازمان‌يافته در

ابعاد مختلف، بعضاً با تأکید بر مصادیق خاص بررسی خواهد شد. برای نمونه، در جرمی مثل تطهیر پول، آثار فرهنگی - انسانی ناچیز است، برعکس در قاچاق و بهره برداری از زنان و کودکان چنین اثری قابل توجه و گسترده است. بنابراین مباحث این گفتار در سه مبحث ۱- آثار سیاسی ۲- آثار اقتصادی و ۳- آثار انسانی - فرهنگی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

۱- آثار سیاسی

آثار سیاسی جنایت سازمان‌یافته فراملی هم در بعد ملی و هم در بعد بین‌المللی حائز اهمیت است که البته این دو بر هم اثر متقابل دارند. نظم سیاسی جهانی زمانی مستحکم‌تر می‌شود که اشکال دموکراتیک حکومتها مبتنی بر احترام به حاکمیت قانون و آراء عمومی در میان ملل مختلف گسترش یابد. جنایت سازمان‌یافته فراملی مستقیماً به رژیمهای دموکراتیک موجود و جوامع و رژیمهای در حال انتقال به سیستم دموکراتیک صدمه می‌زند. جنایت

جنایت سازمان‌یافته ... ❖ ۲۰۱

سازمان‌یافته از طریق ارتشاء و نفوذ در مأمورین و اخلال در جریان رسیدگی، حاکمیت قانون و مشروعیت حکومت دموکراتیک را زیر سؤال می‌برد. در جوامعی که دولت از نظر سیاسی در دوره انتقالی به سر می‌برد و در حال گذار به مردم‌سالاری است، گروه‌های مجرمانه با توسل به عناصر خود - که مسئولیت‌های کلیدی را در میان قانونگذاران اولیه که مسئول پیش‌نویسی و تدوین قوانین هستند، احراز می‌کنند - دولت مربوط را از بیخ ریشه کن می‌کنند. حضور و نفوذ آنها در میان ارکان حکومت و نهادهای حکومتی مشروع، استحکام و ثبات سیاسی حکومت را زائل می‌کند، چرا که اعضای گروه‌های جنایتکار فقط به تحصیل منافع جنایتکارانه و نامشروع خود می‌اندیشند و دغدغه منافع عموم را ندارند.²⁰

گروه‌های جنایی سازمان‌یافته فراملی هم در کشورهای دارای دموکراسی پیشرفته و هم در دموکراسی‌های در حال توسعه سعی می‌کنند در مأمورین حکومتی رده بالا هم

20. Louise I. Shelley, *Transnational Organized Crime: An Imminent Threat to the Nation-State?* Journal of International Affairs, Winter 1995, p. 468.

در کشور متبوع و محل پیدایش خود و هم در کشور محل فعالیت، با دادن رشوه نفوذ کنند. لیکن این گروهها اغلب زمانی موفقتر هستند که تلاشهایشان در قلمرو دولت - ملتهایی صورت گیرد که در مرحله انتقالی هستند، چرا که در این کشورها به گونه‌ای که در يك کشور دارای دموکراسی مستحکم و باثبات، نظام حقوقی تحت نظارت است، کنترل وجود ندارد.^{۲۱}

گروههای جنایی سازمان‌یافته فراملی همچنین دولت‌ها را از طریق قاچاق مواد هسته‌ای تهدید می‌کنند. امروزه جهان دیگر نگران درگیری هسته‌ای بین ابرقدرتهای دنیا نمی‌باشد، بلکه تهدید هسته‌ای عمدتاً از قاچاق تسلیحات توسط مرتکبان جنایت سازمان‌یافته که شکل جدید و مرگبار فعالیت غیرقانونی آنان است، نشأت می‌گیرد. قاچاق مواد هسته‌ای ممکن است باعث شود يك کشور یا گروه جنایتکار مستقلاً سلاح هسته‌ای تولید کند و از این طریق قدرت تهدید و اخاذی هسته‌ای پیدا کند.

21. Ibid.

در گذشته مفهوم دولت جنایتکار در مورد آلمان نازی به کار می‌رفت. امروزه این واژه را می‌توان در مورد دستگاه دولتی که برای پیشبرد اهداف گروه‌های جنایی سازمان‌یافته مورد استفاده واقع می‌شود، به کار برد. این امر در خصوص کشوری مثل ایتالیا مصداق دارد که در آنجا بیش از یک قرن سیاست و جنایت با یکدیگر همزیستی می‌کنند. از آقای گیلیو اندراوتی* – که هفت دوره نخست وزیر بود و چهره قدرتمند حزب سوسیال دموکرات پس از جنگ تلقی می‌شد – دو بار به خاطر اتهام همکاری با مافیا سلب مصونیت پارلمانی شده است. آقای بتینو کراگسی** نخست‌وزیر پیش از وی، از حزب سوسیالیست رسماً متهم به دریافت رشوه گردیده است. آثار نفوذ جنایت سازمان‌یافته به داخل دولت ایتالیا این کشور را از ایفای نقش اقتصادی درخور خود در اروپا بازداشته است.^{۲۲}

در کلمبیا رابطه بین حکومت و کارتل‌های قاچاق دارو به اندازه ایتالیا

*. Giulio Andreotti.

** . Bettino Craxi.

22. Shelley, op. cit., p. 469.

قدمت ندارد، ولي اثر آن بر روي دولت و نهادهای دموکراتیک آن زیانبار بوده است. فرایند مردم‌سالاری و حاکمیت قانون، هم در روند قانونگذاری و هم در اجرای قانون به شدت تحلیل رفته است. زمانی که نیروهای سیاسی توسط گروه‌های جنایتکار سازمان‌یافته تأمین و تغذیه مالی می‌شوند و نمایندگان یا نفوذی‌های این گروه‌ها انتخاب و به پارلمان فرستاده می‌شوند، امکان پیدایش ساختار حقوقی مورد نیاز برای تغییر حاکمیت استبدادی به حاکمیت دموکراتیک کاهش می‌یابد.^{۲۳}

ایتالیا و کلمبیا هر دو دریافته‌اند که به محض اینکه جنایت سازمان‌یافته در داخل دولتی نفوذ کند، دولت قادر به رهانیدن خویش از یوغ این جنایت نخواهد بود؛ حتی اگر منابع عظیم اقتصادی و انسانی سرمایه‌گذاری کرده و با سرکوب شدید و فدا کردن افراد همراه باشد. آثار نفوذ جنایت سازمان‌یافته به بخش دولتی زیانبار است، برای این‌که چنین نفوذی مانع از مبارزه دولت با این گروه‌ها در سرزمین مبدأ آنها می‌شود و

23. Ibid.

بدان وسیله دموکراسی مشروع را تحلیل
می‌برد.^{۲۴}

کشورهای در حال توسعه و
دموکراسی‌های نوپا بیشتر مورد هدف جنایت
سازمان‌یافته فراملی، چه از درون و چه
از ورای مرزها، بوده‌اند. به خاطر این‌که
نهادهای اجتماعی این جوامع یا مرحله
پیدایش و تکوین خود را سیر می‌کنند و یا
جوان و نوپا هستند، زمینه‌ها و فرصتهای
بیشتری در این جوامع برای بروز و جولان
مرگبار جنایت سازمان‌یافته وجود دارد.
غالباً سیستمهای عدالت کیفری کشورهای در
حال توسعه و کشورهای که اقتصادشان در
حال انتقال است متناسب با شیوه عملیاتی
پیشرفته این گروهها نیست. دولتهای در
حال انتقال - خواه انتقال سیاسی باشد
یا اقتصادی یا هر دو - از نظر آسیب
پذیری در قبال جنایت سازمان‌یافته وضعیت
منحصر به فردی دارند.

به طور کلی وضعیت انتقالی یک کشور،
دارای یک یا چند از این اوصاف است: ۱-
فروپاشی و استقرار مجدد ساختارهای
دولت؛ ۲- تغییرات اساسی در اصول

24. Ibid., pp. 467-468.

زیربنایی مدیریت اقتصادی؛ ۳— تعریف مجدد اصول و ارزشهایی که بر مبنای آنها جامعه عمل می‌کند؛ ۴— بازنگری در جهت‌گیری روابط با جهان خارج.^{۲۰}

پس از فروپاشی نظم سیاسی و اجتماعی موجود و قبل از بازسازی و استقرار ساختارهای دولتی جدید، نهادهای عمومی قادر به اعمال همان اندازه کنترل اجتماعی که رژیم قبلی اعمال می‌کرد، نیستند. در عین حال چندین ویژگی اقتصاد در حال انتقال موجب افزایش جنایت سازمان‌یافته می‌گردد. این ویژگیها عبارتند از سیر نزولی تولید، تورم یا فوق تورم، رشد بیکاری، ابهامهای اقتصادی جدید و فقدان جایگزینهای اقتصادی مشروع، بویژه در دوره فترت پس از فروپاشی سیستم قدیمی و قبل از دوره کارکرد مؤثر سیستم اقتصادی جدید. نقطه نظرات اجتماعی و فرهنگی، قواعد و هنجارهای سنتی و بویژه محظورات رفتاری

25. Philip Williams, *Drugs, Crime and States in Transition: The Russian Federation*, unpublished paper prepared for UNDCP International Conference with the Russian Federation, Moscow 16-17 April 1997 Quoted By: M. Cherif Bassiouni and Eduardo Vetere, *Organized Crime; A Compilation of UN Documents 1975-1998*, Transnational Publishers, Inc. Ardsley, New York, 1998, p. xiv.

نوعاً در دولتهای در حال انتقال سست و کم‌رنگ می‌شوند. در نتیجه روابط مستحکم و کنترل اجتماعی جامعه در مبارزه با جنایت سازمان‌یافته کم‌اثرتر می‌شود.^{۲۶}

در مرحله انتقالی انزوای قبلی جای خود را به گشایش جدیدی می‌دهد که تمایل دولت انتقالی را به ورود در اقتصاد جهانی منعکس می‌کند. گشایش جدید به منظور تشویق تجارت و سرمایه‌گذاری خارجی طراحی می‌شود و برای رشد و توسعه اقتصادی امری اساسی تلقی می‌گردد. مشکل این است که وقتی مرزها باز می‌شوند کنترل ورود افراد و اشیاء و تفکیک بین فعالیت بازرگانی مشروع و نامشروع مشکل‌تر می‌شود. در نتیجه دولتهای در حال انتقال نفوذ پذیر می‌شوند.^{۲۷}

امتیازاتی که گروه‌های جنایتکارانه در جوامع انتقالی از آن برخوردار می‌شوند؛ به خاطر مبالغ قابل توجه پول در دسترس آنها و توانایی آنها در از بین بردن رقیب از طریق تهدید و خشونت است. سرمایه جمع‌آوری شده به این گروه‌ها

26. Ibid.

27. M. Cherif Bassiouni and Eduardo Vetere, op. cit., p. xiv.

اجازه می‌دهد که بخشهای اقتصادی خصوصی شده را به قیمت‌های خیلی نازلی خریداری کنند درحالی‌که هیچ‌گونه کنترلی برای بررسی منابع سرمایه وجود ندارد. از این رو گروه‌های جنایتکار سازمان‌یافته خود را مالک بخش‌های اقتصادی می‌بینند که قبل از این متعلق به بخش عمومی بوده و از طریق آن بخش‌ها کنترل خود را بر اقتصاد ملی افزایش می‌دهند. از طریق برتری اقتصادی آنها می‌توانند روند سیاسی را کنترل کنند و از مسؤولیت کیفری طفره روند. دموکراسی‌های در حال پیدایش و دولتهای در حال انتقال از یک مشکل ذاتی رنج می‌برند. بدین معنی که رژیم‌های سابق غالباً از نظر اقتصادی فاسد بوده‌اند و در بطن خود گروه‌های جنایتکار سازمان‌یافته را پرورش داده‌اند که اینک در درون رژیم جدید نیز فعال هستند.

در نظام‌های سوسیالیستی، بزهکاری اقتصادی اوصاف خاصی دارد. «در چنین سیستمی بزهکاری شدید اقتصادی (زائیده فقر و جیره‌بندی) اجتناب‌ناپذیر است. این بزهکاری نه فقط ناشی از کارمندی است که از قدرت اقتصادی خود سوء استفاده

جنایت سازمان‌یافته ... ❖ ۲۰۹

می‌کنند، بلکه تمام کسانی که فاقد هرگونه امتیازی هستند و مجبورند کالای مصرفی خود را از بازار سیاه خریداری نمایند در این بزهکاری شریک هستند. بدتر از این، اغلب تولیدات غیرقانونی در داخل کارخانه‌های دولتی تهیه می‌شود».^{۲۸}

ارتکاب جنایت سازمان‌یافته آثار زیانبار ویژه‌ای بر ثبات کشورهای در حال توسعه و دولتهای در حال انتقال دارد؛ جنایت سازمان‌یافته نهادهای اجتماعی را تضعیف می‌کند و موجب می‌شود آنها نتوانند از عهده تنشهای اجتماعی، اخلاقی، فرهنگی و اقتصادی که معمولاً اثر مستقیم بر دموکراسی‌های جدید و کشورهای در حال توسعه دارند، برآیند.^{۲۹}

خانم شلی^{۳۰} در سال ۱۹۹۵ می‌نویسد: «جمهوریهای تازه به استقلال رسیده شوروی سابق که فاقد منابع کافی و اراده لازم

۲۸. ریموندگسن، جرم‌شناسی نظری، ترجمه دکتر مهدی کینیا، ناشر: مجمع علمی و فرهنگی مجد، چاپ اول اردیبهشت ۱۳۷۴، صص ۵۳-۵۲.

29. Ibid., pp. xiv-xivi.

۳۰. پروفیسور شلی (Shelley) مدیر آمریکایی مرکز جنایت سازمان‌یافته و فساد و از سرشناس‌ترین چهره‌های علمی در خصوص جنایت سازمان‌یافته فرامی‌باشد.

برای مبارزه با جنایت سازمان‌یافته می‌باشند و همچنین تجربه فساد مالی و ارتشاء را در حکومت خود نداشته‌اند، حتی بیشتر از ایتالیا و کلمبیا در معرض نفوذ جنایت سازمان‌یافته هستند».^{۳۱} گذشت زمان به خوبی نشان می‌دهد که تحلیل و پیش‌بینی این نویسنده چقدر دقیق بوده است، چرا که جمهوری‌های استقلال‌یافته شوروی سابق شدیداً درگیر گروه‌های جنایتکارانه سازمان‌یافته می‌باشند.

در سال ۲۰۰۱ در مقاله‌ای از همین نویسنده ذکر شده است: آثار جنایت سازمان‌یافته در دولتهای انتقالی که مردم آنها درصدد ایجاد دموکراسی، تعیین سرنوشت خود و حاکمیت قانون هستند، مخربتر است. در این مقاله به بررسی دولتهایی که سابقاً بخشی از اتحاد شوروی بودند پرداخته می‌شود که امروزه با اقتصادی راکد، حکومت‌هایی ضعیف در اجرای قانون و مبارزه با فساد، دست به گریبان هستند.

جنایت سازمان‌یافته در دولتهای تازه به استقلال رسیده شوروی سابق، با شدت و

31. Shelley, op. cit., p. 470.

وسعت عملیاتی غیر قابل قیاس با دیگر گروه‌های جنایی سازمان‌یافته در صحنه بین‌المللی پیدایش یافته است. در این دولتها تعداد گروه‌های جنایتکار بالغ بر هزاران مورد است. ساختار تشکیلاتی این گروه‌ها به صورت شبکه‌ای است که اغلب از خشونت به عنوان بخشی از راهبرد کاری خود استفاده می‌کنند. برخلاف سندیگاه‌های جنایی سایر کشورها که هرکدام به کالاهای و خدمات خاصی اختصاص یافته‌اند، جنایت سازمان‌یافته در این دولتها مجموعه گسترده‌ای از فعالیت‌های غیرقانونی را شامل می‌شود. گروه‌های جنایتکار عمیقاً در اقتصاد مشروع، از جمله خیلی از شرکتهایی که سابقاً متعلق به دولت بوده‌اند و سپس به بخش خصوصی واگذار شده‌اند، نفوذ کرده‌اند.^{۳۲}

جنایت سازمان‌یافته هم دموکراسی را - که عبارت از کنترل مردمی به اضافه تساوی سیاسی می‌باشد - و هم امنیت را تهدید می‌کند و به تبع آن اقتصاد نیز تهدید می‌شود. برای «امنیت» ابعاد

32. Louise Shelley, *Crime Victimized Both Society and Democracy*, E-Journal of the U.S. Department of State (2001). <http://usinfo.state.gov/journals/itgic/0801/ijge/gi06.html>.

مختلفي قائل شده اند: ۱- امنیت فردی در قبال بی‌قانونی و ظلم حکومتی؛ ۲- امنیت گروهی برای اقلیتها و اکثریتها و حمایت در قبال تبعیض، شبیه سازی اجباری، اخراج یا امحاء (نابودسازی) و ۳- امنیت دولتی، یعنی کشور دموکراتیک از تعرض خارجی، سرنگونی، تروریسم یا اشکال دیگر تهدید به حاکمیتش احساس امن بودن کند.^{۳۳}

علاوه بر امنیت اقتصادی که مورد نظر نویسندگان نبوده، جنایت سازمان‌یافته قطعاً دموکراسی، امنیت فردی و امنیت دولتی را تهدید می‌کند.

باید به این موضوع اشاره داشت که جنایت سازمان‌یافته فراموشی از یک طرف و حاکمیت، دموکراسی، امنیت و حکومت قانون از طرف دیگر، اثر متقابل بر یکدیگر دارند. یعنی همانطور که ارتکاب جنایت سازمان‌یافته اصول فوق را به مخاطره می‌افکند، تحقق و برقراری حاکمیت قانون و برقراری دموکراسی و امنیت در سرزمین دولتی واجد اقتدار و حاکمیت می‌تواند ریشه جنایت سازمان را خشک کند، ولی از

33. Janusz Bugajski, *Democracy, Economy and Security*. www.csis.org/ee/research.

آنجایی که بسیاری از گروه‌های جنایتکار در کشورهای مختلف ریشه دوانیده‌اند، یک کشور به تنهایی قادر به ریشه‌کنی کامل این جنایت نمی‌باشد و ضرورت عزم بین‌المللی برای مبارزه با آن هویدا می‌شود و مسأله جهانی‌شدن نیز با این مبحث پیوند می‌خورد.

در کنفرانس امضایی پالرمو در ۱۲ دسامبر ۲۰۰۰ که سمپوزیوم ملل متحد تحت عنوان «مسائل حاکمیت و جهانی بودن در زمینه حاکمیت قانون در ده‌کده جهانی» برگزار شد، وزیر دادگستری ایتالیا در جلسه افتتاحیه اظهار داشت: مشروعیت و امنیت باید در سطح بین‌المللی مطرح شود تا در بستر جهانی شدن تضمین گردد. وی تأکید کرد که مسأله حاکمیت و جهانی شدن هم امری راهبردی و هم تعیین‌کننده است. این مسأله از زاویه امنیت و مشروعیت امری حیاتی می‌باشد. قبلاً مشروعیت در مرزهای ملی خاتمه می‌یافت و لی امروزه وضعیت دگرگون شده است. جهانی شدن بر اختلافات و مرزها غلبه یافته است و امنیت و مشروعیت باید در بستر جدید ارزیابی شود. نامبرده تأکید نمود که در

سالهاي اخير روند اجراي اسناد بين‌المللي رو به فزوني است. اين خود نشان مي‌دهد كه حاكميت نقش كليدي دارد. امضاي يك معاهده بين‌المللي به منزله اقدام به پذيرش يك حاكميت خارجي است كه در امور داخلي نفوذ کرده است. براي مثال، پذيرش يك ديوان بين‌المللي به معني پذيرش صلاحيت خارجي است.^{۳۴}

نماينده مدير اجرايي اداره كنترل دارو و پيشگيري از جرم ملل متحد در ۱۳ دسامبر ۲۰۰۰ اظهار داشت كه اين كنفرانس در توسعه اسناد بين‌المللي براي مبارزه با جنايت سازمان‌يافته فراملي بر نكته مهمي تأكيد نموده است. در امضاء كنوانسيون، نقطه اتكاء جامعه بين‌المللي مفهوم امنيت بشري - ماهيت آن و چگونگي اعتلاء بخشيدن به آن و حفظ آن در مقابل دشمنان - بود.^{۳۵}

وي اذعان داشت كه حاكميت قانون در يك جامعه قوي و سالم توازني بين حقوق و آزاديهاي شخص از يك سو و منافع جامعه بطور كلي از سوي ديگر ايجاد مي‌كند.

34. UN. DOC. L/T/4351 (ISSUES OF SOVEREIGNTY AND UNIVERSALITY IN CONTEXT OF RULE OF LAW IN GLOBAL VILLAGE DISCUSSED AT UN CONFERENCE SYMPOSIUM).

35. Ibid.

حاکمیت قانون، اصل وجود يك قانون براي همه را بدون آنکه کسی بر قانون برتری داشته باشد، بیان می‌کند. در چنین جوی اصول دموکراسی اجرا می‌شود و شرایط امنیت بشري تأمین می‌گردد.

اگر دولتی تحت حاکمیت قانون باشد و بتواند با آرامش و به طور سنجیده بدون انحراف از جهت دموکراتیک به چالش‌های امنیتی خارجی پاسخ دهد، آن وقت می‌توان چنین دولت - ملتی را قوی نامید. جهانی متشکل از دولت - ملتهای واجد اقتدار واقعی مطلوب است و برپا داشتن «کنوانسیون نوپا و پروتکل‌های آن» به عهده چنین دولتهایی است.^{۳۶}

وی تأکید کرد که اصول حاکمیت و جهانی شدن می‌توانند برای حمایت از بشر در مقابل خفت و خواری بسیج شوند.^{۳۷}

رئیس کمیته علمی کنفرانس ابراز نمود که حاکمیت و جهانی شدن نباید به عنوان دو مفهوم مخالف هم تلقی شوند، بلکه آنها را باید در کنار هم دید که حاکمیت دولت با نیاز مطلق به جبهه

36. Ibid.

37. Ibid.

مشترك جامعه بين المللي براي مبارزه با
جنايت در يك رديف قرار گرفته اند.^{۳۸}

۲- آثار اقتصادي

ارتكاب جرم و وضعيت اقتصادي هر
جامعه اي با هم ارتباط تنگاتنگ داشته و
تأثير متقابلي بر روي هم مي گذارند. به
اين معني كه ميزان رشد اقتصادي و رشد
بيكاري بر ميزان و نوع جرايم ارتكابي
در هر جامعه تأثير مي گذارد و ارتكاب
جرم نيز متقابلاً ممكن است بر ساختار
اقتصادي و ميزان رشد و توسعه اقتصادي
تأثيرگذار باشد. ليكن در اين مبحث فقط
به تأثير جنايت سازمان يافته بر اقتصاد
پرداخته و براي مطالعه تأثير متقابل
اقتصاد بر ارتكاب جرم و همچنين تأثير
ارتكاب ساير جرايم بر وضعيت و ساختار
اقتصادي مي توان به ساير منابع مراجعه
کرد.^{۳۹}

درآمدهاي زياد گروههاي جنايتكارانه
سازمان يافته كه از ارتكاب جرم حاصل

38. Ibid.

39. See Eli Lehrer, *Crime & the Economy: What Connection?* <http://www.heritage.org/views/2000/ed11500c.html>.

می‌شود و در بازارهای جهانی تطهیر می‌شود، امنیت سیستم مالی و اقتصادی جهانی را تهدید می‌کند. با اشتغال جنایتکاران سازمان‌یافته فراملی به جاسوسی صنعتی و فن‌آوری، قدرت رقابت بازرگانی مشروع به شدت کاهش می‌یابد.

ارتشاء و سایر فعالیت‌های جنایی سازمان‌یافته، مانع از سرمایه‌گذاری خارجی می‌شوند که این امر نیز به نوبه خویش رشد اقتصادی را کاهش می‌دهد و دولت را از درآمدهایی که برای بازسازی ساختها و پیدایش فرصت‌های جدید اقتصادی نیاز دارد، محروم می‌کند. میلیاردها دلار از اموال و سرمایه‌های کشور در واری مرزها تطهیر می‌شوند و دولت از سرمایه لازم حتی برای پرداخت حقوق و مزایای کارکنان خود عاجز می‌گردد. بسیاری از سرمایه‌گذاران احتمالی احساس می‌کنند کشورهای که جنایت سازمان‌یافته در سرزمین آنها کمتر وجود دارد، برای سرمایه‌گذاری و حفظ دارایی بسیار مناسبتر هستند. برای کسانی هم که در چنین کشورهای سرمایه‌گذاری می‌کنند، انطباق با رشاء و ارتشاء یکی از فنون

اساسي است که باید هرچه زودتر اقدام و خود را به این فن تجهیز کنند. این در شرایطی است که قوانین ملی اعمال مختلف و متعددی - از جمله رشوه - را جرم تلقی می‌کنند لیکن این قوانین در کشورهای مربوطه خیلی پیش پا افتاده و غیرعملی تلقی می‌شوند. انحراف روند خصوصی سازی در دولتهای جانشین شوروی سابق توسط جنایت سازمان یافته و مأمورین مرتشی، منجر به دو قطبی شدن این جوامع شده است. بدین صورت، به جای پیدایش و گسترش طبقه متوسط، یک اقلیت بسیار ثروتمند و یک طبقه بسیار فقیر که شامل اکثریت جمعیت می‌شود، به وجود آمده‌اند. بویژه این وضعیت در این کشورها که قبلاً از ایدئولوژی تساوی اجتماعی افراد پیروی می‌کردند بیشتر غیرقابل تحمل می‌نماید. اگرچه نابرابری اقتصادی در تمام دوران حکومت شوروی وجود داشت لیکن حداقل شکل پنهانی داشت و مثل سرمایه داران جدید کسی تظاهر به ثروتمندی و برتری اقتصادی و مالی خویش نمی‌کرد.^{۴۰}

40. Shelley, Crime..., *op. cit.*

فساد مالي در فلج کردن اقتصاد هر کشوري نقش غير قابل انكاري دارد و مانع از توسعه اقتصادي مي‌گردد. همچنين فساد مالي و ارتشاء منجر به توليد هزينه‌هاي خارجي به شكل «مالياتهاي افزوده» مي‌گردد كه عمدتاً بر دوش اقتصاد ملي سنگيني مي‌كند. اين امر تخصيص كافي اعتبارات مالي به توسعه اقتصادي مورد نياز را خصوصاً در كشورهاي در حال توسعه به شدت با بحران مواجه مي‌كند.⁴¹

در تجارت بين‌المللي، فساد - بويژه به شكل ارتشاء - به عنوان يك مانع اساسي در امر تجارت و سرمايه‌گذاري تلقي مي‌شود. جامعه فاسد به سرمايه‌گذاران جهاني محيطي ناتوان را براي سرمايه‌گذاري ارائه مي‌كند. سرمايه‌گذاراني كه قصد سرمايه‌گذاري براي يك دوره دراز مدت به منظور عمران و توسعه اقتصادي را دارند از سرمايه‌گذاري در چنين محيطي مأیوس مي‌شوند؛ در عوض آنهائي كه در جستجوي منافع سريع مضاعف هرچند با پذيرش برخي مخاطرات احتمالي

41. TENTH UNITED NATIONS CONGRESS ON THE PREVENTION OF CRIME AND THE TREATMENT OF OFFENDERS, VIENNA, 10-17 APRIL 2000, UN.Doc. A/CONF.187/9, p. 5.

هستند، بیشتر رغبت به سرمایه‌گذاری در چنین محیطی را نشان می‌دهند.^{۴۲} این امر نیز متقابلاً آثار زیانبار فساد مالی را بر اقتصاد رو به رشد جهانی افزایش می‌دهد. به تجربه ثابت شده است کشورهای که سرمایه‌گذاری خارجی کمتری جذب می‌کنند از رشد اقتصادی کمتری برخوردارند.^{۴۳}

فساد مالی چه در بخش عمومی و چه در بخش خصوصی، چه در سطح گسترده و چه در سطح محدود تجارت آزاد را با مشکل رو به رو می‌کند، رقابت سالم را به بیراهه می‌کشد و ثباتی را که سیستم بازار آزاد بر محور آن می‌چرخد، تحلیل می‌برد.^{۴۴}

شرکتهای بازرگانی ممکن است برای کنار زدن موانع تجاری موجود و کاهش تعرفه‌های ملی و سرعت بخشیدن به تجارت بین‌المللی به پرداخت رشوه متوسل شوند. چنین اقدامی نهایتاً موقعیت دولت را

42. Ibid., p. 6.

43. Paulo Mauro, *The Effects of Corruption on Growth, Investment, and Government Expenditure*, A Cross-Country Analysis: Corruption and the Global Economy, Kimberly Ann Elliot ed, Washington, D.C., Institute for International Economics, (1996), pp. 83-107.

44. See S. Bially, *International Business Community Foster Ethical Behavior*, Public Management Forum, vol. II, No. 5, (1996), Quoted in UN.Doc. A/CONF.187/9, (2000), p. 6.

تضعیف می‌کند، درآمد حکومت را کاهش می‌دهد و الگوها و استانداردهای زیست محیطی و بهداشتی را نیز به مخاطره می‌افکند.^{۴۵}

فساد مالی گسترده، اعتماد به حکومت و نهادهای حکومتی را مخدوش می‌کند. در نتیجه یک فرهنگ منفی بوجود می‌آید که هرکس فقط به موفقیت شخصی خود و منافع کوتاه مدت می‌اندیشد. حاکمیت فساد مالی منجر به ناکارآمد شدن ضمانت اجراها و مجازاتهای کیفری می‌گردد، چرا که کسانی با توسل به ارتشاء از چنگال عدالت می‌گریزند و اثر مجازات نسبت به سایرین که حتی چنین توانی را ندارند کارآیی خود را از دست می‌دهد و این امر خود منجر به رشد جنایت سازمان‌یافته و سایر جرایمی که سیستم اقتصادی را به مخاطره می‌اندازند، می‌شود.^{۴۶}

وقتی کارکنان دولت ابزارهایی را که دولت برای تأثیرگذاری بر اقتصاد و اصلاح نارسایی‌های بازار خصوصی در اختیار دارد، به نفع خود به کار می‌گیرند، در

45. UN.Doc. A/CONF.187/9, (2000), p. 6.

46. Ibid.

واقع به قدرت دولت لطمه می‌زنند و توان دولت برای نقش مطلوب و اصلاحی را کاهش می‌دهند. می‌توان گفت که در این حالت شاهد نوعی خصوصی سازی دولت هستیم که در جریان آن، قدرت دولت به بازار انتقال نمی‌یابد، بلکه به کارکنان دولت و بوروکراتها می‌رسد. این امر در نهایت به عملکرد بازار نیز لطمه می‌زند.^{۴۷}

با فرض اینکه سیاست‌های دولت تابع معیارهای سنتی اعمال حکومتی باشد، فساد باعث خدشه دار شدن و انحراف نتایج کار به طرق متعدد می‌شود.

فساد از راه‌های زیر باعث اخلال در نقش دولت در زمینه تخصیص منابع می‌شود:
- نشان دادن نرمش نسبت به مالیات دهندگان، زیرا رفتارهای خاصی از سوی بازرسان مالیاتی باعث می‌شود که دیون مالیاتی‌کاهش یابد. نظام قانونی مالیات‌ها طوری تنظیم می‌شود که حالت بیطرفانه داشته باشد ولی فساد نه تنها میزان مالیات‌های وصولی توسط دولت را کاهش می‌دهد، بلکه بیطرفی نظام مالیاتی

۴۷. ویتو تانزی، مسأله فساد، فعالیت‌های دولتی و بازار آزاد، ترجمه دکتر بهمن آقایی، مجله اقتصادی - سیاسی، شماره ۱۵۰-۱۴۹، بهمن - اسفند ۱۳۷۸، ص ۱۸۴.

را از طریق دادن امتیازهای رقابتی به برخی از تولیدکنندگان در مقابل دیگران، از بین می‌برد. چیزی که در این میان لطمه می‌بیند، عملکرد صحیح بازار است.

— از طریق اعمال خودسرانه (برخلاف اصل فاصله) قوانین و مقررات و در نتیجه اعطای امتیاز به برخی افراد در مقایسه با دیگران. این امر بخصوص در اعطای مجوزهای وارداتی، اعتبارات یارانه‌ای، مجوزهای منطقه‌ای و مجوزهای مربوط به انواع فعالیت‌های اقتصادی مهم است. برای نمونه، چنانچه این ابزارها برای کمک به «صنایع نوپا» طرح‌ریزی شده باشد ولی در عمل به نفع صنایع دیگر به‌کار گرفته شود، نقش اصلاحی دولت مختل می‌شود و کارکرد بازار نیز صدمه می‌بیند.

— از طریق واگذار کردن کارهای دولتی یا خریدها و قراردادهای سرمایه‌گذاری که در آنها پیروزی در رقابت، ناشی از توان انجام کار با حداقل هزینه نیست، بلکه نتیجه وجود برخی روابط و پرداخت رشوه است.

— از طریق استخدام و ترفیع خودسرانه افراد برخلاف معیارهای عادلانه

و عيني. انتخاب اينگونه افراد نه تنها
كيفيت تصميمگيري را پايين مي‌آورد بلکه
با افزايش شدت تکرار اشتباهات و نيز
دلسردکردن افراد لايقي که روابط مربوطه
را ندارند و احساس مي‌کنند شانسي براي
آنها نيست، به اقتصاد لطمه مي‌زند. در
جوامعي که به نظر مي‌رسد بهترين مشاغل
در بخش دولتي است و در عين حال مشاغل
به صورت نامناسب به افراد داراي روابط
خاص مي‌رسد، انگيزه فعاليت تحصيلي جدي
در مدارس و کسب مدارج بالاتر آموزشي
براي کساني که روابط ندارند کاهش
مي‌يابد و در نتيجه رشد بالقوه اقتصاد
نقصان مي‌گيرد. در اين حالت بازار کار
هم مختل مي‌شود.

– برخي افراد سعي مي‌کنند مشاغل
خاصي را به دست آورند نه به اين دليل
که در آن مشاغل داراي توانمدي خاص يا
استعداد مولد هستند، بلکه از آن جهت که
امکان کسب سود بيشتري دارند. چنين
مشاغلي باعث ترويج فساد است. چنانچه
حقوق رسمي تا حدود زيادي با کل درآمدي
که از موقعيتي خاص حاصل مي‌شود فاصله
داشته باشد، نقش مهمي در جلب افراد به

جنایت سازمان‌یافته ... ❖ ۲۲۵

مشاغل خاص ایفاء نمی‌کند. برای نمونه در کشورهای آسیای جنوب شرقی، شمار افرادی که در امتحانات مربوط به استخدام بازرسی مالیات بر درآمد شرکت می‌کنند سخت افزایش یافته است، گرچه این شغل حقوق رسمی چندانی ندارد، اما تعداد داوطلبان مشاغل در وزارت خارجه که ظاهراً حقوق بالایی دارد کاهش یافته است. علت این است که داوطلبان مزبور احساس کرده‌اند شغل بازرسی مالیاتی گرچه حقوقش کم است ولی درآمد اضافی قابل توجهی دارد. همچنین گزارشها حاکی از آن است که در برخی کشورها، مشاغلی که در آنها امکان دریافت وجوه کلان وجود دارد فروخته می‌شود یا توسط کسانی که قدرت اعطای چنین مسؤولیت‌هایی را دارند به حراج گذاشته می‌شود. بامول (۱۹۹۰) و نیز مورفی شیل فروویشینی (۱۹۹۱) هر یک جداگانه استدلال کرده‌اند که در هر جامعه، افرادی با مهارتهای چشمگیر مدیریتی که در عین حال بطور بالقوه قادرند بیشترین کمک را به رشد جامعه نمایند، به سوی فعالیت‌هایی جذب می‌شوند که بیشترین بازده را دارد، خواه این

فعالیت‌ها مولد باشد یا صرفاً درآمد زیادی داشته باشد. اگر فساد باعث شود که افراد بیشتری به دنبال مشاغل دسته دوم بروند، عملکرد اقتصاد کشور در این میانه بازنده اصلی خواهد بود.^{۴۸}

فساد از طرق مختلف باعث اخلال در نقش توزیعی دولت می‌شود. اگر افراد برخوردار از رابطه‌های خوب بهترین مشاغل را بگیرند و سودآورترین قراردادهای دولتی را به دست آورند و از اعتبارات یارانه‌ای و ارز خارجی با نرخ ترجیحی و امثالهم برخوردار شوند و در عین حال مالیات خودشان را با دادن رشوه کم کنند، احتمال اندکی وجود دارد که فعالیت‌های دولت منجر به بهبود امر توزیع درآمدها و ایجاد مساوات در نظام اقتصادی شود.

بالاخره باید گفت که فساد از هر لحاظ به نقش ثبات دهنده دولت لطمه می‌زند، زیرا این امر (ایجاد ثبات) مستلزم آن است که در غالب موارد، کسر مالی کاهش یابد. فساد به احتمال قوی باعث افزایش هزینه‌های دولت می‌شود. برای

۴۸. همان، صص ۱۸۵-۱۸۴.

نمونه تخصیص مزایای از کار افتادگی به افرادی که واقعاً ناتوان نیستند، پرداخت مزایای شغلی به کسانی که کار نمی‌کنند و اعطای قراردادهای دولتی به افرادی که رشوه می‌دهند هزینه‌های دولت را بالا می‌برد. افزایش سرمایه‌گذاری غیرمولد اغلب توسط کسانی تشویق می‌شود که روی پروژه‌های سرمایه‌گذاری، «کمسیون» می‌گیرند. همچنین فساد از طریق راه‌های متعدد دیگری به تصمیمات مربوط به نحوه صرف هزینه‌ها لطمه می‌زند و باعث افزایش هزینه دولت در مقایسه با دستاوردهای آن می‌شود. وقتی مالیاتها پرداخت نشود یا به مسیرهای دیگری افتد، درآمد دولت پایین می‌آید. در برخی کشورهای در حال توسعه فشار مالیات مؤثر (یعنی نسبت کل پرداخت‌های مالیاتی به درآمد ملی) بسیار بالاتر از فشار مالیات رسمی است چون مقداری از مالیاتها از جیب بازرسان مالیاتی سردر می‌آورد.^{۴۹}

جنايات سازمان‌یافته فراملي، به خاطر مصادیق مختلف خود، علاوه بر آثار سیاسی و اقتصادی، آثار اجتماعی

۴۹. همان.

قابل‌توجهی نیز از خود بر جای می‌گذارند که ذیلاً به بررسی آن می‌پردازیم.

۳- آثار انسانی - فرهنگی

آثار اجتماعی جنایت سازمان‌یافته که شامل آثار انسانی و فرهنگی می‌شود کمتر مورد توجه نویسندگان و دولتمردان قرار گرفته است. شاید مهمترین بازتاب این آثار را بتوان در خشونت، قاچاق مواد مخدر، قمار، فحشا و گسترش بیماری‌های (AIDS) که همگی تأثیر مستقیم و انکارناپذیر بر روی زندگی افراد و کیفیت آن دارند، ملاحظه کرد. گروه‌های جنایی بین‌المللی نه تنها این بازارهای غیرقانونی را به جریان می‌اندازند، بلکه زنان و کودکان را به فحشا و می‌دارند و به منظور رونق بازار مواد مخدر خود، وابستگی و اعتیاد به مواد مخدر را در میان میلیون‌ها نفر گسترش می‌دهند.^{۵۰}

به علاوه، کنترل بازارهای غیرقانونی توسط جنایتکاران سازمان‌یافته بین‌المللی تأثیر اساسی در بی‌ثباتی و تضعیف وضعیت اقتصادی کل جامعه دارد که این امر بر

50. Shelley, *Transnational ...*, p. 471.

کیفیت زندگی تمام افراد جامعه حتی
آنهایی که در بازار کالاها و خدمات
غیرقانونی هیچ دخالت و مشارکت مستقیمی
ندارند، آثار مهمی از خود برجای
می‌گذارند. فعالیت‌های اقتصادی
غیرقانونی، اخذ مال به عنف و تحصیل
امتیاز انحصاری بازارها، هزینه کالاها
را برای مصرف‌کننده افزایش می‌دهد و در
نتیجه شهروندان می‌بایست هزینه‌های
سنگین‌تری را برای غذا، مسکن، خدمات
دارویی و... بپردازند.^{۵۱}

ترویج اعتیاد میان افراد جامعه
بویژه جوانان و گسترش فحشا حتی در میان
کودکان و نوجوانان، آثار اخلاقی
انکارناپذیری از خود به جا می‌گذارد و
حتی در کیفیت تحصیل و آموزش آثار
زیانباری دارد. قاچاق آثار فرهنگی ملل
مختلف و تحصیل، صید (مثل صید غیرمجاز
خاویار) و قاچاق گونه‌های نایاب،
این‌گونه‌ها را برخی اوقات در معرض
انقراض قرار می‌دهد. حفظ گونه‌های کمیاب
و نایاب در طبیعت و محیط‌زیست برای
آیندگان و حق نامبردگان برای دیدن و

51. Ibid.

استفاده از این گونه‌ها یکی از حقوق بشري محسوب مي‌گردد.^{۵۲} بنابراین انقراض و در معرض تهديد قرار دادن این گونه‌ها ناقض حقوق بشر نسلهاي آینده نیز مي‌باشد.

حمل و نقل و قاچاق اتباع خارجي ارزش و کرامت بشري را هم در دولت مبدأ و هم در دولت مقصد تهديد مي‌کند. افزايش فحشاي بين‌المللي و حلقه‌هاي تصاوير مستهجن جنسي، آثار اجتماعي و بهداشتي شديدي برجاي مي‌گذارد. تجارت غيرقانوني الوار و قاچاق گونه‌هاي نادر و ضايعات هسته‌اي تا به حال نیز صدمه شديدي به محيط زيست جهاني وارد نموده است.^{۵۳}

سالانه صدها هزار نفر زن و مرد و کودک بطور غيرقانوني در دنيا قاچاق مي‌شوند و سپس به ارتكاب انواع جنايات واداشته مي‌شوند و شايد تصور مي‌شود که این افراد به طور اختياري به ارتكاب جرم روي آورده‌اند تا از فقر بگريزند.

۵۲. دکتر اردشير امير ارجمند، تقريرات درس حقوق محيط زيست، دوره دکترای حقوق بين‌الملل، دانشکده علوم انساني دانشگاه آزاد اسلامي واحد علوم و تحقيقات، نيمسال اول تحصيلي ۱۳۷۹-۱۳۷۸.

53. Shelley ,Crime..., *op. cit.*

این افراد غالباً مورد بهره برداری اقتصادی، جنسی و جسمی قرار می‌گیرند. آنان مبالغ قابل توجهی پول برای ارسال به کشور دیگری می‌پردازند بی‌آنکه اطلاعات صحیحی از وضعیت آتی خود در کشور مقصد داشته باشند. در نهایت، مجبور به فحشا یا ارتکاب اعمال جنایی دیگر در کشور مقصد می‌شوند.^{۵۴}

در ایالات متحده آمریکا حداقل ۱۰۰۰۰۰ نفر مهاجر به فحشا اشتغال دارند و حسب گزارش جهانی ملل متحد که اخیراً انتشار یافته ۴۰۰۰۰ تا ۵۰۰۰۰ زن تایلندی در ژاپن به فحشا اشتغال دارند، و نیز تعداد افرادی که به‌طور غیرقانونی در کشورهای اتحادیه اروپا به فحشا به عنوان حرفه مشغول هستند از ۲۰۰۰۰۰ تا ۵۰۰۰۰۰ نفر تخمین زده می‌شود که دو سوم از این تعداد از کشورهای اروپای شرقی و یک سوم دیگر از سایر کشورهای در حال توسعه به اروپا قاچاق شده‌اند. از زمان خاتمه جنگ سرد و گشایش مرزها، قاچاق اشخاص گسترش و افزایش یافته است.^{۵۵}

54. Trafficking in Persons: The New Protocol, <http://www.odccp.org/trafficking-protocol-background.html>.

55. Ibid.

برده داري اقتصادي و جنسي امروزه يك صنعت جهاني بسيار پُرمفعتي محسوب مي‌شود كه توسط سازمانهاي جنايتكارانه قدرتمندي مثل ياكوزا، ترياد و مافيا اداره مي‌شوند. اين گروهها سالانه مبلغی بالغ بر ۷ ميليارد دلار از اين طريق تحصيل مي‌کنند و در عين حال شبکه‌هاي خود را هم در کشورهاي در حال توسعه و هم در کشورهاي توسعه‌يافته گسترش مي‌دهند. زنان و نوجوانان غالباً از طريق آگهي استخدام در مشاغل داخلي کشور خارجي اغفال شده و سپس متوجه مي‌شوند كه از طريق آلبوم‌هاي حاوي عكس آنان، خريد و فروش شده‌اند. به محض اين‌كه به بردگي گرفته مي‌شوند، غالباً مورد ضرب و شتم و زنای به عنف واقع مي‌شوند و سپس توسط مالك اولي به بعدي و يا به صاحب فاحشه‌خانه فروخته مي‌شوند و اغلب تا ۱۸ ساعت در روز كار مي‌کنند. آنها خود را در چنگ صاحب يك مركز فحشا مي‌بينند كه در بسياري از موارد ورود و اقامتشان در کشور مقصد غيرقانوني است و هيچ‌گونه گذرنامه يا کارت شناسايي ندارند. ضمن اين‌كه هيچ مبلغی براي اداره زندگي خود ندارند، با

جنايت سازمان‌يافته ... ❖ ۲۳۲

قرض‌های کمرشکنی هم مواجه هستند که از بابت هزینه سفر و اقامت باید بپردازند.^{۵۶}

زنان آسیایی در ایالات متحده و ژاپن به قیمت ۲۰۰۰۰ دلار به مالکین مراکز فحشا فروخته می‌شوند. حتی در بلژیک یک قاچاقچی، زنان آفریقایی را از آفریقا به این کشور قاچاق نموده و به قیمت ۸۰۰۰ دلار می‌فروخته است. زنان روسیه‌ای شاغل در مراکز فحشای آلمان حدود ۷۵۰۰ دلار درآمد ماهیانه دارند که از این مبلغ حداقل ۷۰۰۰ دلار را صاحب مرکز فحشا برداشت می‌کند.^{۵۷}

در اجلاسی که در ۲۰ دسامبر ۲۰۰۱ در داکار (پایتخت سنگال) بین ۱۵ کشور آفریقایی موسوم به اکوواس^{۵۸} (جامعه اقتصادی دولتهای آفریقایی غربی) در زمینه مبارزه با قاچاق انسان برگزار گردید، اشاره شد که دو نوع قاچاق انسان در این مناطق بیشتر رواج دارد: الف) قاچاق کودکان برای واداشتن به کار اجباری خصوصاً کار در مزارع؛ ب) قاچاق

56. Ibid.

57. Ibid.

58. ECOWAS.

زنان و کودکان به منظور بهره برداری جنسی. قربانیان این جنایات آسیب‌پذیرترین افراد و اقشار جامعه یعنی زنان، کودکان، فقرا و افراد تحصیل نکرده و یا کمتر تحصیل کرده می‌باشند. این افراد به راحتی فریب قاچاقچیان را می‌خورند که وعده کار پرمفعت در ورای مرزها را به آنها می‌دهند.^{۵۹}

روشن است که همه این موارد بیانگر تهدید و نقض حق حیات و سایر حقوق بشری و انسانی می‌باشد. افراد بشری بی‌آنکه اراده و تقصیری داشته باشند طعمه قاچاقچیان شده و انواع هتک حرمتها به آنها روا داشته می‌شود.

جنایتکاران سازمان‌یافته برای برداشتن موانع موجود بر سر راه فعالیت خود از ارتکاب هیچ جنایتی دریغ نمی‌کنند. چنانچه روزنامه نگاران و نویسندگان با افشاگری و تنویر افکار درصدد مقابله با ارتکاب جنایات سازمان‌یافته برآیند، گروه‌های جنایتکار درصدد حذف فیزیکی این افراد بر می‌آیند.

59. United Nations Information Service, <http://www.undcp.org/gress-release-2001-12-20-2.html>.

این امر هم حق حیات افراد را زایل می‌کند، هم حق آزادی بیان و آزادی مطبوعات را تهدید می‌کند و نیز با ایجاد جو رعب و وحشت، امنیت جامعه را به مخاطره می‌افکند.

سرقت مالکیت معنوی افراد و نادیده گرفتن حق پدید آورندگان نیز آثار فرهنگی غیر قابل انکاری از خود به جا می‌گذارد، کما این‌که ارتکاب قتل‌های قراردادی و قاچاق اعضای انسانها آثار انسانی فجیعی دارند.

نتیجه‌گیری

جنايات سازمان‌یافته فراملي اعمال مجرمانه مختلفي را شامل مي‌شود كه توسط گروههاي جنايتكارانه متشكل از بيش از دو نفر، با اعمال نفوذ در ارکان حكومت، از طريق ارتشاء يا خشونت و قتل، معمولاً با سازماندهي خاص و به قصد تحصيل منافع مالي يا مادي ارتكاب مي‌يابند. به موجب كنوانسيون پالرمو، علاوه بر موارد فوق، جنايت ارتكابي بايد ماهيتاً فراملي باشد و فعاليت گروه براي مدتي استمرار داشته باشد.

بايد تأكيد داشت كه آثار مختلف جنايت سازمان‌یافته با يكديگر ارتباط كامل داشته و بر هم اثر متقابل مي‌گذارند. به عبارت ديگر، آثار مختلف اين جنايت در فلج نمودن ساختارهاي جامعه دست به دست هم داده، اثر متقابل بر هم گذاشته و يكديگر را تكميل مي‌كنند.

فساد مالي فراگير و نفوذ جنايت سازمان‌یافته در فرايند سياسي، مانع از توسعه و تحقق قوانين جديد مورد نياز براي پي ريزي يك اقتصاد دموكراتيك

جنايت سازمان‌یافته ... ❖ ۲۳۷

مبتنی بر بازار آزاد می‌شود. وجود مقامات مالیاتی که پیوسته رشوه می‌گیرند و ارتباطات پیدا و پنهان کارکنان دولت با گروه‌های جنایتکار بین‌المللی، دولت را از بودجه‌های مورد نیاز برای توسعه اقتصادی و سیاسی محروم می‌کند. نتیجه آن می‌شود که تعداد زیاد و حتی اکثریت قاطع شهروندان اعتماد خود را به استقلال و توانایی نظام قضایی و همچنین توانایی دولت به انجام تعهدات اساسی خود از جمله پرداخت حقوق کارکنان و بازنشستگان و مراقبت بهداشتی، از دست می‌دهند.⁶⁰

یکی از صاحب نظران به درستی و به نحو اختصار رابطه بین دموکراسی، اقتصاد و امنیت را این‌گونه ترسیم می‌کند: اولاً بدون دموکراسی، اقتصاد راکد می‌ماند و پویایی خود را از دست می‌دهد؛ ثانیاً بدون اقتصادی پویا و رو به رشد، دموکراسی تهدید می‌شود؛ و ثالثاً بدون امنیت نه دموکراسی کارآمد تأمین می‌گردد و نه اقتصادی کارآمد تضمین می‌شود. لذا این سه عامل یکدیگر را باید تقویت کنند

60. Trafficking in Persons: The New Protocol, *op. cit.*

نه تضعیف.^{۶۱} جنایت سازمان‌یافته هر سه را مختل می‌کند.

هیچ شکل حکومتی وجود ندارد که مصون از پیدایش و توسعه جنایت سازمان‌یافته فراملی باشد و هیچ سیستم حقوقی وجود ندارد که به طور کامل بتواند رشد این جنایت را کنترل کند و هیچ سیستم اقتصادی وجود ندارد که مصون و ایمن در قبال وسوسه برخورداری بیشتر از منافع این جرم در مقایسه با فعالیت مشروع باشد.^{۶۲} بدین ترتیب، اگر جنایت سازمان‌یافته فراملی ریشه‌کن نشود، آثار زیانبار آن در زمینه‌های سیاسی و اقتصادی منجر به فروپاشی مردم‌سالاری و شکوفایی اقتصاد رسمی خواهد شد.

در حقوق داخلی ما قوانین مناسبی که بتواند در پیشگیری و مبارزه با این جنایت مؤثر واقع شود، کمتر به چشم می‌خورد، چرا که بیشتر قوانین جوانب سنتی خود را حفظ کرده‌اند. لذا نیاز به تدوین قوانین مناسب و تقویت قدرت اطلاعاتی، امنیتی و اجرایی در این

61. Janusz Bugajski, *Democracy, Economy and Security*, www.csis.org/ee/research.

62. Shelley, *Crime...*, *op. cit.*

زمینه وجود دارد. توضیح آن‌که در برخی قوانین از جمله ماده ۴۵ قانون مجازات اسلامی سردستگی دو یا چند نفر، از علل مشدده کیفر تلقی شده؛ لیکن نفس گروهی‌بودن عمل مورد توجه قرار نگرفته است. در ماده ۴ قانون تشدید مجازات مرتکبان ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری نیز تشکیل یا رهبری شبکه چند نفری برای ارتکاب جرایم ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری از عوامل تشدید مجازات تلقی شده است. لیکن اولاً این مورد فقط درخصوص جرایم خاص پیش‌بینی شده و ثانیاً هیچ‌گونه تمهید خاصی که برای مقابله با جرایم سازمان‌یافته ضرورت دارد، پیش‌بینی نشده است.

فراملی بودن این جنایات نیز عامل دیگری است که پاسخ مناسب به جنایات سازمان‌یافته فراملی را به همکاری‌های بین‌المللی گره می‌زند. نظر به این‌که در کنوانسیون پالرمو تمهیدات مفصلی برای هماهنگی و همکاری دولتها پیش‌بینی شده، لذا ضرورت دارد مفاد کنوانسیون پالرمو توسط کمیسیون تخصصی مورد بررسی قرار گیرد تا زمینه تصویب و اجرای آن و نیز

زمینه تدوین و وضع قوانین همسو با آن
فراهم گردد.

جنایت سازمان‌یافته ... ❖ ۲۴۱